



در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۹ چشم‌انداز دشمنی استراتژیک

۵۰ مصایب یک شعار

آینده روابط ایران و آمریکا

شکست تابوی یک آشتی؟

نگاه دکتر سید علی خرم، کارشناس مسایل سیاسی و استاد دانشگاه، به روند روبه بهبود روابط ایران و آمریکا

بررسی روابط ایران و آمریکا، نیازمند مرور بر برخی سؤالات اساسی می‌باشد که پاسخ به آنها می‌تواند خواننده را به سوی آینده ملموس‌تری رهنمون سازد. در این راستا پاسخ به این سؤال که آیا اواما بر قول خود درباره ایران وفادار مانده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وجه تمایز اواما نسبت به مک کین در مبارزات انتخاباتی، راهکاری در باره چگونگی تعامل با ایران بود که این راهکار، در میان افکار عمومی آمریکا، بسیاری از دولتمردان این کشور به ویژه نظامیان و همچنین در میان افکار عمومی جهان هواخواهان فراوانی داشت. اواما مذاکره و گفت‌وگو را با ایران، بدون هرگونه پیش شرط مطرح ساخت و به بن بست نو محافظه‌کاران که معتقد بودند آمریکا فقط به شرط تعلیق کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران حاضر به مذاکره خواهد بود، پایان داد. این بن بست برای دولتمردان آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی آنان، به سردردی تبدیل شده بود که مدت‌ها آنان را آزار می‌داد و راه‌حلی هم برای آن متصور نبودند. آنچه اواما بعد از استقرار در مسند ریاست جمهوری ایالات متحد آمریکا بیان داشت، از وعده‌های زمان کاندیداتوری وی خیلی دور نبود، با این تفاوت که این بار، اواما شروطی ضمنی را در گفته‌های خود وارد ساخته بود. او در مصاحبه با شبکه تلویزیونی العربی گفت: «اگر کشورهایی نظیر ایران مایل باشند مشت‌های گره شده

طرفدار مصالحه، دوستی و همکاری با ایران می‌باشند و اکنون که کابوس سلطه محافظه‌کاران از اندیشه مردم آمریکا زدوده شده، فرصت برای آشتی با همه جهان از جمله ایران فراهم شده است.

حال باید پرسید که آیا محیط بین‌المللی با چنین مصالحه‌ای هماهنگی لازم را دارد یا خیر؟

در یک نگاه کلی، همواره محیط بین‌المللی به جای خصومت و تنش طرفدار مصالحه و آشتی است، اما منافع بازیگران مؤثر بین‌المللی در ۳۰ سال گذشته به ترتیبی شکل گرفته که به بهره‌برداری از دشمنی ایران و آمریکا عادت کرده و منافع خود را در ادامه این روند می‌بینند. شاید بی‌توجهی هر دو کشور باعث شده هیچ فضای دیگری برای بازیگران بین‌المللی تعریف نشود و تنها سناریوی متصور برای آنان، درگیر شدن ایران و آمریکا باشد. اما برخی بازیگران، ورود ایران را به عرصه منطقه و جهان مصادف با کاهش قدرت خود و کاهش اهمیت نقش آنان در منطقه و در نزد آمریکا می‌دانند. لذا برای کسب سود بیشتر، حاضر نیستند حضور پُر قدرت و ارزشمند ایران را در صحنه منطقه و جهان تحمل نمایند. این دسته از کشورها همواره با کارت ایران در قبال آمریکا بازی نموده و چهره جمهوری اسلامی ایران را چنان معرفی نموده‌اند که هیچ‌گاه آمریکا کوچکترین علاقه‌ای به بهبود روابط با ایران نشان ندهد. متأسفانه سیستم قانونی لابی در آمریکا و کنگره این کشور سبب شده تا در غیاب یک لابی قدرتمند ایرانی، همه لابی‌ها - اعم از قدرت‌های جهانی و قدرت‌های منطقه‌ای - با هم متحد شده و افکار و سیاست‌های آمریکا را علیه ایران شکل دهند.

ایران نباید در انتظار اظهار لطف دیگران بماند تا به جایگاه و ارزش آن اذعان نمایند و سهم این کشور را در چارچوب معادلات جهانی، تمام و کمال به خودش واگذار نمایند. جمهوری اسلامی ایران، بایستی از کارت خودش به خوبی استفاده نماید و اجازه ندهد ◀

خود را باز نمایند، خواهند دید که دست همکاری ما بیشتر به سوی آنان دراز خواهد شد. «شاید بتوان گفت اواما هنوز عهد اولیه خود را مبنی بر گفت‌وگوهای بدون شرط با ایران نقض ننموده و همچنان خواهان مذاکرات محترمانه و مستقیم با ایران است. اما سؤال دیگر آن است که آیا مصالحه با ایران در راستای ساختار حکومتی آمریکا قرار می‌گیرد؟

طبیعی است که کشور و ساختاری که ۸ سال و شاید ۳۰ سال در جهت خصومت با ایران برنامه‌ریزی شده، نمی‌تواند یک شبه عوض شود و علائم مثبت از خود نشان دهد. علیرغم تعویض دولت آمریکا، ساختار و بدنه این کشور به طور عمده در اختیار برنامه‌ریزان و کارشناسان قبلی است که طبیعتاً در یک کشور سازمان یافته و پیشرفته به ندرت تغییر می‌کنند. لذا انتظار طبیعی آن است که علیرغم میل اواما، بدنه حکومت، سخنان وی را کاملاً ترجمه ننماید و این سخنان را با برداشت‌های خود در برنامه‌ریزی‌ها ترکیب کند. اما کسانی هم در ساختار حکومتی آمریکا - همچون هنری کسینجر - هستند که به خوبی منافع و امنیت ملی این کشور را تشخیص می‌دهند و می‌دانند به طور طبیعی، ایران و آمریکا دارای منافع مشترک فراوانی می‌باشند که توجه به آنها موجب رضایت هر دو طرف خواهد شد. این افراد روند خصومت‌آمیز موجود بین دو کشور را مخالف منافع و امنیت ملی آمریکا می‌دانند. از سوی دیگر، مردم آمریکا نیز

دیگران با مخدوش نمودن چهره ایران، از موقعیت‌های ممتاز کشور ما در جهان سوء استفاده نمایند.

حال باید دید که آیا جمهوری اسلامی ایران آماده مصالحه با آمریکا می‌باشد؟

آذهان مردم و مسؤولان ایرانی نه تنها در ۳۰ سال گذشته، بلکه ۲۵ سال قبل از انقلاب هم با خاطره‌های منفی اعم از دخالت‌های ناروای سیاسی و اقتصادی تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و حمایت از سیاست‌های سرکوب‌گرانه شاه در داخل کشور توسط آمریکا همراه بوده که عامل مهمی برای انقلابیون جهت مقاومت در قبال هرگونه مصالحه محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، ایران به خوبی واقف است که ابعاد جایگاه منطقه‌ای و جهانی آمریکا، اکنون در حدی است که انزوایی و نادیده گرفتن مراوده با این کشور، تنها به کاهش نقش آفرینی ایران در سطح منطقه و جهان خواهد انجامید و برخی مسایل ایران، نظیر موضوع هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی در بن‌بستی به زیان جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت. این مسایل فقط در سایه تعامل سازنده با جهان و با همه قدرت‌های مطرح، قابل حل خواهند بود. همچنین کاهش قدرت لابی‌های قدرتمند جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، فقط و فقط در سایه حضور فعال و سازنده ایران در موقعیت‌های جهانی، مقدور و امکان‌پذیر خواهد بود. اگر ۳۰ سال پیش ایران می‌توانست زیر سایه چتر حمایتی آمریکا در منطقه و جهان حضور داشته باشد، امروز به تبع قدرت واقعی خویش می‌تواند این نقش را رقم بزند. بنابراین انقلابیون نبایستی به جهت سوابق منفی گذشته، جمهوری اسلامی ایران را از نقشی که می‌تواند در حال و آینده در منطقه و در جهان اسلام و به طور کلی در عرصه بین‌المللی به منظور تأمین صلح و امنیت و دسترسی به توسعه ایفا نماید، محروم سازند.

اما موضوع مورد مصالحه چیست؟ آیا رفع اختلافات بین آمریکا و ایران است؟ آیا همکاری جهت کاهش تنش در منطقه خاورمیانه است؟ آیا هدف، کاهش حمایت‌های آمریکا از اسرائیل و به رسمیت شمردن حق حیات فلسطینی‌ها و احترام به هر دولتی است که طی یک پروسه دموکراتیک بر سر کار می‌آید؟ آیا واگذاری سرنوشت مردم عراق به خودشان و خروج نیروهای آمریکایی از عراق به منزله کاهش خطر امنیتی برای ایران خواهد بود؟ آیا موضوع خلیج فارس، افغانستان یا لبنان می‌تواند در سروسامان یافتن مشکلات و مصالحه بین آمریکا و ایران بگنجد؟ آیا تغییر سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران، رفع هرگونه تهدید نظامی، خروج ایران از فهرست محور شیطانی و رفع تحریم‌های بین‌المللی، موضوعات مورد مصالحه هستند؟ آیا تغییر نگرش آمریکا نسبت به انتصاب حزب الله، حماس و دیگر گروه‌های مبارز به مقوله تروریسم، می‌تواند زمینه مصالحه بین دو کشور را فراهم آورد؟ به نظر می‌رسد ایران در جست‌وجوی مشخصات فضای مذاکراتی است.

احترام متقابل

آیا همان طور که اوپاما در مراسم روز تحلیل اعلام نمود، می‌خواهد با ایران بر اساس منافع و احترام متقابل گفت‌وگو کند یا به عادت آمریکایی‌ها تصورش بر این است که می‌تواند با تفرعن و با نگاه از بالا به مذاکره با ایران بپردازد؟ به نظر می‌رسد که این مسایل رمز دوری یا نزدیکی ایران و آمریکا نخواهند بود. اگر آمریکا استقلال سیاسی و وقوع انقلاب اسلامی ایران را محترم بشمارد، آن وقت است که می‌توان وارد دستورکار شد. به عبارت دیگر، باید جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت در نوع خودش مورد احترام آمریکا قرار گیرد. پس از آن نیز درک و شناسایی آمریکا از امنیت و منافع ملی ایران بسیار مهم است. آمریکا باید ایران را با تاریخ و تمدنی کهن یا به عبارتی با قد و قواره خودش ببیند و به نگرانی‌های امنیتی ایران احترام بگذارد. در این راستا، احترام به نقش و نفوذ



فرهنگی - سیاسی ایران در منطقه - به ویژه خلیج فارس - می‌تواند همکاری سازنده ایران را در تأمین امنیت منطقه فراهم نماید. سیاست‌گذاران آمریکایی ظرف ۳۰ سال گذشته تلاش کردند هر اختلال امنیتی را در منطقه به ایران نسبت دهند و همواره با ایجاد ترس در کشورهای منطقه، موضع آنان را نسبت به ایران خدشه دار سازند. در مورد موضوع هسته‌ای نیز انتظار ایران، شناسایی وضعیت موجود توسط آمریکا است. آمریکا نباید گمان کند ایران راضی به توقف و یا تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای خود می‌شود. چراکه این راه با تلاش در جهت تحقق امنیت ملی ایران به دست آمده است. لذا در صورتی که ایران در مذاکرات خود با آمریکا، تضمین‌های امنیتی لازم را دریافت نماید، حاضر است هرگونه تضمینی را بپذیرد که تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای خود را تسلیحاتی نسازد که البته تحقق این امر به زمان مذاکره و زمان رایه تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا بستگی دارد.

قطعاً بخشی از نگرانی‌های امنیتی ایران، به حضور آمریکا در خلیج فارس، عراق، ترکیه، افغانستان و پاکستان بر می‌گردد که بی‌شک، مذاکرات دو کشور می‌تواند آثار تهدید علیه ایران را تا حدودی برطرف سازد. در این راستا، تغییر سیاست آمریکا در حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل، نسبت به اقدامات

متجاوزگرایانه‌اش در قبال فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها نیز موضوع مورد توجه ایران است. هرگونه رفع تنشج بین دو کشور به منظور عادی سازی روابط، باید منجر به رفع تحریم‌های بین‌المللی و حذف هرگونه فشار اقتصادی از دوش ایران باشد، وگرنه ایران ادامه سیاست فوق را نشانه عزم جدی برای رفع اختلافات تلقی نخواهد کرد.

از طرفی اگرچه آمریکا در همه واکنش‌های خود نشان داده است که خواهان تعلیق یا توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌باشد و حاضر است تحریم‌های شدیدی را در این رابطه به کار گیرد، ولی قطعاً این کشور، بیشتر از اروپایی‌ها واقع‌گرا می‌باشد و می‌داند صرفاً فعالیت‌های هسته‌ای مسأله ساز نیست، بلکه نیات و سیاست‌های دولتمردان دارنده چنین تکنولوژی حساسی، مهمتر است. جمهوری اسلامی ایران نیز در صورتی که منابع تهدید بر طرف شود، لزومی نمی‌بیند به مسؤولیت بین‌المللی خود عمل ننموده و در راه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، همدوش با بقیه قدرت‌های تأثیرگذار تلاش نکند. این مهم نیز طی مجموعه‌ای از مذاکرات محتوایی و همه جانبه - چنانچه زودتر آغاز شود، منافع و نتایج آن سریع‌تر متوجه سیاست جهانی خواهد شد. لذا موضع رسمی اوپاما که از زبان جوزف بایدن، معاون وی در مونیخ بیان شد، صرفاً موضعی برای شروع مذاکره با ایران تلقی می‌گردد که البته در حین مذاکرات بیشتر می‌تواند محقق شود. البته پُرواضح است که پافشاری آمریکا بر موضوع تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای حاکی از آن است که این کشور، قصد مذاکره جدی و واقعی را با ایران ندارد و اظهارات مثبت قبلی هم در راستای جلب افکار عمومی صورت گرفته است. در این صورت نبایستی انتظار داشت ایران هم پیشرفتی در مذاکرات خود صورت دهد. بر این اساس، هر دو طرف برای دوره‌ای دیگر با الفاظ و کلمات بازی خواهند کرد تا شاید روزی به این نتیجه برسند که باید بر روی مقولات واقعی مذاکره نمایند.

آمریکا انتظار دارد دیدگاه ایران در مورد منطقه خاورمیانه اعم از عراق، فلسطین، لبنان و افغانستان، متناسب با اراده و سیاست‌های آن کشور باشد که این امر قطعاً باید به صورت متقابل با تغییر سیاست از سوی آمریکا همراه باشد تا طرفین نسبت به کاهش شدت تنش در منطقه با یکدیگر همکاری نمایند. بی‌شک منافع مشترک ایران و آمریکا در صحنه عراق و افغانستان، فاکتور مهم مصالحه در منطقه خواهد بود. به علاوه موضوع خلیج فارس نیز از درجه اهمیت خاصی برای ایران برخوردار است. با توجه به حضور آمریکا در خلیج فارس و ملاحظات حقوقی جدی در پرتو قانون اول و سوم دریایی (۱۹۵۸ و ۱۹۸۲)، نسبت به عبور ناوگان این کشور از تنگه هرمز و استقرار در آب‌های داخلی ایران در خلیج فارس، این کشور مجبور است مذاکرات و ویژه‌ای را با ایران در این رابطه ◀

نگاه Center For Defense Information، واشنگتن

چشم انداز دشمنی استراتژیک

به دلیل وجود ابهامات و تردیدهای فراوان در مورد دولت جدی آمریکا، نمی توان به قاطعیت در مورد آینده روابط ایران و آمریکا نظر داد.

حس آسیب پذیری ایران را افزایش داده و این کشور را به سوی تأمین امکانات هسته‌ای سوق داده است. این مسأله بارها از سوی تحلیل‌گران امنیتی ایران به عنوان منابع اصلی تهدید احتمالی بر امنیت ملی ایران مطرح شده است. به هر حال، با بدتر شدن بحران اقتصادی جهانی، قیمت جهانی نفت در کوتاه‌مدت همچنان پایین خواهد ماند و تا مدت‌ها به بیش از بشکه‌ای ۱۰۰ دلار نخواهد رسید. این به معنی کاهش شدید درآمدهای دولت و تشدید اجتناب‌ناپذیر مشکلات اجتماعی - اقتصادی، همانند تورم همراه با رکود در ایران است. نرخ بیکاری در ایران نیز در سال ۲۰۰۸ برابر ۱۲/۵ درصد گزارش شده که با توجه به ماهیت ابهام‌آمیز آمار رسمی منتشر شده توسط دولت ایران، نرخ واقعی بیشتر از این ارقام به نظر می‌رسد.

از طرفی، مردم ایران باید در آستانه انتخابات سال آتی خورشیدی، بین انتخاب مجدد دکتر محمود احمدی‌نژاد برای کسب وجهه ملی ایران از طریق ادامه برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های فضایی و یا حمایت از نامزدی دیگر با سیاست‌های متفاوت - که شاید بیشتر بر اصلاحات اقتصادی تمرکز دارد - تصمیم‌گیری کنند. این مسأله می‌تواند همانند انتخابات اخیر در آمریکا و کانادا، نمونه دیگری از یک همه‌پرسی ضمنی از اولویت‌ها بین امنیت ملی و نگرانی بر سر تثبیت اقتصادی باشد. اگرچه رییس‌جمهور ایران که در رأس دولت قرار دارد، دومین مقام رسمی ایران به شمار می‌رود، اما این قدرت را دارد که کشور را در مذاکرات بین‌المللی دخالت داده و سیاست‌هایی را برای تصویب نهایی به رهبر این کشور پیشنهاد کند. بنابراین، اگر فردی عملگرا و میانه‌رو در مسند ریاست‌جمهوری ایران قرار گیرد، می‌توان به برقراری روابط حسنه این کشور با غرب امیدوار بود؛ رابطه‌ای که در بالاترین حد خود با آمریکا در شرف برقراری است.

در رابطه با ارتباط ایران با آمریکا، هرچند برای دولت اوپاما مهم است که چشم‌اندازی مثبت و قابل قبول را نسبت به ایران از طریق مذاکره مستقیم ارائه کند، اما هرگونه مذاکره مستقیم مقامات در سطوح بالای اجرایی این کشور تا پیش از انتخابات ایران، بعید به نظر می‌رسد چراکه مذاکره با دولت کنونی ایران، ممکن است ناخواسته موجب اعطای امتیازی به آن شود که از آن برای دور دوم ریاست‌جمهوری استفاده کند. به علاوه اتخاذ هر نوع موضعی از سوی دولت اوپاما، می‌تواند انتخابات را به نفع یک نامزد خاص سوق دهد. ■

با توجه به نگاه بلندمدت هسته‌ای ایران، ممکن است سال ۲۰۰۹ نقطه عطفی در مذاکرات آمریکا با این کشور خاورمیانه‌ای باشد. تمایل دولت اوپاما به امکان ایجاد و گسترش روابط دوستانه با کشورهایی که از انعطاف لازم در روابط بین‌المللی برخوردار هستند، می‌تواند مسیر احتمالی روابط ایران و آمریکا را در سال ۲۰۰۹ مشخص کند. همزمان با تعلیق تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی ایران برای فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم، شرایط اقتصاد کشور که به شدت و به طرز نامطلوبی تحت تأثیر صادرات نفت قرار گرفته، تأثیر عمیقی را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد، چراکه در شرایط کنونی اقتصادی ایران - که با نفت کمتر از ۴۰ دلار اداره می‌شود - تحریم‌های ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای می‌تواند مزید بر علت باشد. این در حالی است که پیش از پیروزی انقلاب ۱۹۷۹ و در زمان رژیم سابق حاکم بر این کشور، ایران در قبال امتیازات فراوانی که می‌پرداخت از مشارکت چندجانبه صمیمانه‌ای با بسیاری از دولت‌های غربی بهره می‌برد. حتی پیشرفت قابلیت‌های هسته‌ای ایران در اواخر دهه ۵۰ با کمک و مساعدت کشورهای مهم غربی آغاز شد و چندین توافقنامه مهم هسته‌ای نیز بین ایران با آلمان، آمریکا و فرانسه برای خرید رآکتورهای هسته‌ای و ساخت نیروگاه در بوشهر و دارخوین به امضا رسید.

با فروپاشی رژیم شاه و آغاز انقلاب اسلامی، روابط ایران با غرب به میزان قابل توجهی ضعیف شد. ایران، امروز به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و مخالفت کشورهای بزرگ جهان با فعالیت‌های هسته‌ای این کشور، متحدان قابل اتکای زیادی ندارد. حتی با این که روسیه، چین، پاکستان و کره شمالی در توسعه تکنولوژی‌های هسته‌ای از این کشور حمایت کرده‌اند، اما هنوز این سؤال مطرح است که آیا این کشورها در هنگام مواجهه با یک بحران جدی به کمک ایران خواهند آمد؟ به عنوان مثال، اسرائیل بارها اعلام کرده که اجرای حمله به ایران را برای خنثی کردن قابلیت‌های ایران در تولید سلاح هسته‌ای غیر محتمل نمی‌داند. اما این تهدیدات، هیچ‌گاه منجر به اعتراض یا اعلام حمایت جدی از سوی هیچ‌یک از این کشورها نشده است.

همنشینان هسته‌ای مجاورت جغرافیایی با چند قدرت هسته‌ای غیررسمی همانند پاکستان و اسرائیل،

سامان دهد. حال سؤال این است که سیاست مذاکره - راتی آمریکا چیست؟

برخی کارشناسان معتقدند باید مذاکره ایران و آمریکا تا زمانی که شرایط هسته‌ای ایران از آنچه هست بدتر نشده، آغاز گردد. از سوی دیگر، برخی نیز معتقدند مذاکره هنگامی باید آغاز شود که دولتی در ایران بر سرکار باشد که اصول بین‌المللی، همکاری و اتخاذ مسؤلیت بین‌المللی را قبول داشته باشد. اگر قرار باشد مبنایی برای مذاکره از نظر تعهدات بین‌المللی فراهم نگردد، شروع مذاکره بی‌نتیجه خواهد بود. علیرغم برخی علایم مثبت از سوی دولت‌های کنونی دو طرف، نظیر ارسال پیام تبریک به مناسبت انتخاب اوپاما، هیأت حاکمه آمریکا، دولت جمهوری اسلامی ایران را در چارچوب موازین بین‌المللی نمی‌داند و لذا هنوز شرایط برای مذاکره فراهم نیست. برخی از صاحب‌نظران - به ویژه رهبران و هم‌پیمانان آمریکا - معتقدند مذاکره باید با دولت در حال گذار فعلی ایران آغاز شود و از سوی دیگر، هرگونه آغاز مذاکره را با دولت حاضر، باعث تقویت موضع انتخاباتی اصول‌گرایان قلمداد می‌کنند که قاعدتاً این امر مطلوب غرب و از جمله آمریکا نیست. لذا در میان هیأت حاکمه آمریکا، نوعی سردرگمی نسبت به زمان مذاکره با ایران وجود دارد. در نهایت پاسخ به این سؤال که رییس‌جمهور آینده ایران چگونه به مذاکره با آمریکا می‌اندیشد، مهم و جالب توجه است.

بحران اقتصادی و مذاکره با آمریکا، به عنوان دو موضوع جدی و جذاب، صحنه انتخابات ایران را با شور و حال جدیدی مواجه ساخته است. در این دور از مبارزات انتخاباتی، کاندیداها علاوه بر رایبه راه‌حل جهت غلبه بر بحران اقتصادی، مذاکره با آمریکا را به عنوان فرصتی در راستای پیروزی در انتخابات در نظر می‌گیرند. اصلاح‌طلبان در قالب شرایط و واقعیات بین‌المللی، آمادگی انعطاف بیشتری را دارند. آنان که از قبل معتقد به مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا بودند، تحت تأثیر برخی شرایط از جمله انتقاد شدید اصولگرایان، نتوانستند نظرات خود را پیش ببرند. اصولگرایان نیز که اخیراً علاقمند به مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا شده‌اند، معتقدند تنها این گروه حق مذاکره با آمریکا را - به گونه‌ای که منافع و امنیت ملی ایران (و از جمله انقلاب) محفوظ بماند - دارا می‌باشند. اما آمریکا به اصولگرایان مظنون بوده و معتقد است اصولگرایان ممکن است بعد از پیروزی در انتخابات تغییر مسیر داده و با طرح دشمنی با آمریکا به حفظ فاصله مردم با روند بین‌المللی و حفظ جایگاه خود در ایران بپردازند. چنانچه این ظن برطرف شود، می‌توان گفت کاندیداهای هر دو گروه باید برای مذاکره و گفت‌وگو با آمریکا، برنامه‌ای رایبه دهند که بیشتر ضامن حفظ منافع و امنیت ملی ایران باشد. ■